

«فرهنگ‌سازی محیط‌زیست- بخش دوم»، (دکتر مصطفی سهراب‌پور)

در گزارش بخش اول طرح پژوهشی «فرهنگ‌سازی محیط‌زیست» تاکید مطالب بر روی مسائل آموزشی در مقاطع مختلف، حیات وحش منقرض شده و یا در حال انقراض شامل پستانداران و پرندگان به علاوه انقراض ماهیان خاویاری بود. در گزارش فعلی وضعیت کیفیت محیط زیست ایران در رده ۱۳۲ بین ۱۴۶ کشور قرار دارد. فهرستی از مسائل و معضلات منجر به سقوط وضعیت محیط‌زیست کشور طی چند دهه گذشته ارائه شده است که عمده آن مسائل معطوف به مشکلات اقتصادی، اجتماعی، نبود فرهنگ زیست‌محیطی در مردم و ضعف توانایی‌های مدیریتی در عرصه محیط‌زیست در سطح کلان می‌باشد.

شاخص‌های توسعه پایدار از منظر نهادهای بین‌المللی همراه با شاخص‌های زیست‌محیطی توسعه پایدار و رفتارهای همسو با توسعه پایدار در زندگی روزانه به عنوان فعالیت‌های بسیار مؤثر برای ایجاد دنیای پایدار ارائه شده‌اند. این رفتارها شامل نحوه حمل و نقل، استفاده از انرژی، مصرف آب و غذا و جلوگیری از توسعه و پخش منابع آلاینده می‌باشند. طی سالهای ۱۹۹۲، ۱۹۹۷، ۲۰۰۲ و بالاخره ۲۰۰۵ سازمان ملل از کلیه کشورها درخواست تهیه برنامه و استراتژی ملی توسعه پایدار نموده که این موضوع تاکنون در کشور ما تحقق پیدا نکرده است.

بحران‌های زیست‌محیطی کشور شامل آب و خشکسالی به‌علاوه آلودگی‌های آب و خطرات، فصل دوم گزارش را شامل می‌شود. آلودگی هوا و نتایج آن بر سلامت مردم و افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای و اثرات آن بر گرم شدن کره زمین در جهان و در ایران، تأثیر مثبت جنگل‌ها همراه با روش‌های مقابله با کنترل گرمایش کره زمین در فصل بعد بررسی شده است.

فرسایش خاک در فصل چهارم مطرح شده و کلیه جنبه‌های بسیار نگران‌کننده آن شامل دارا بودن مقام نخست فرسایش خاک در جهان (سالانه نزدیک به دو میلیارد تن)، تبعات دیگر آن مانند ایجاد سیلاب‌های بسیار خطرناک، رسوب‌گیری و پر شدن سریع سدها، عدم جبران و تأمین منابع آبهای زیرزمینی به دلیل کاهش پوشش‌های جنگلی و گیاهی و افت حاصلخیزی خاک‌های کشاورزی را می‌توان نام برد.

از دیگر عوارض فرسایش خاک، افت سطح آب‌های زیرزمینی، نشست زمین، جنگل‌تراشی و از بین بردن پوشش پدیده بیابان‌زایی می‌باشد. گسترش بیابان و خشکسالی از طرف دیگر تأثیرات فاجعه بار بر توسعه پایدار دارد. از دیگر عوارض محیطی بر خاک ورود انواع آلاینده‌ها مخصوصاً مواد نفتی به آن و همچنین ورود مواد هیدروکربوری به سواحل و آب‌های خلیج فارس و دریای خزر بوده که باعث بروز و عوارض منفی آن بر آبزیان و انسان‌ها شده است.

فصل پنجم این گزارش مروری بر وضعیت چالش‌آمیز محیط‌زیست ایران می‌باشد. در سال ۱۹۷۲ و برای بررسی وضع تالاب‌های جهان به دعوت رییس سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران و با حضور رؤسای ۱۸ کشور پیشرو در مسائل زیست‌محیطی کنفرانسی در رامسر برگزار گردید. نخستین کنوانسیون محیط‌زیست جهان برای حفاظت از تالاب‌ها به نام کنوانسیون رامسر نام‌گذاری شد و از میان ۸۶ تالاب با ارزش بین‌المللی ایران ۲۲ محل یا سایت در این کنوانسیون ثبت شدند. کنوانسیون رامسر الحاقیه‌ای هم به نام لیست مونتره دارد که سایت‌های تالابی در آستانه انقراض در آن درج شده و متأسفانه ایران با ۷ سایت تالابی به‌همراه یونان در صدر این لیست قرار دارند.

وضعیت فعلی برخی از معروف‌ترین تالاب‌های ایران بطور مفصل در گزارش آمده است. مسائل و معضلات دریاچه ارومیه و روند رو به تخریب کامل آن به دلیل جلوگیری از ورود آب رودخانه‌های مربوط به آن در گزارش آورده شده است.

مسائل و مشکلات دریای خزر و وضعیت محدود بودن آن بین کشورهای محصورکننده شامل مسائل محیطی آلاینده‌ها و حیات موجودات آبی آن شامل ماهیان خاویاری و فک‌های آن در این قسمت ارائه شده است.

جنگل و وضعیت آن در گذشته و حال و طبقه‌بندی فعلی آن و تأثیرات و نقش شگرف آن در ارتقاء کیفیت محیط‌زیست در صفحات انتهایی گزارش طرح آمده است. کاهش ۵۰ درصدی مساحت جنگلها در سی سال گذشته و به دنبال آن جنگل‌زدائی‌های برنامه‌ریزی شده در جای جای جنگل‌های اندک باقیمانده برای غارت چوب و سپس زمین توسط عوامل خصوصی و یا دولتی ارائه شده است، درحالی‌که اکثر جنگل‌های باستانی این کشور در حال غارت و نابودی کامل قرار دارند کشور چین در یک دوره بیست ساله قریب به ۴۷ میلیون هکتار جنگل مصنوعی و جدید بوجود آورده است. پوشش جنگلی چین تا سال ۲۰۵۰ قرار است به ۲۸ درصد برسد. گذشته از حیوانات در حال انقراض مندرج در گزارش قبل تعداد دیگری از گربه‌سانان شامل پلنگ، سیاه گوش، گربه پالاس و گربه کاراکال مطرح شده‌اند. به‌علاوه سنجاب ایرانی، شاه روباه، روباه ترکمنی، روباه شنی، گاو دریایی و شاه بوف یا جغد شاخدار تعداد دیگری از موجودات در خطر انقراض در ایران می‌باشند که در این گزارش آمده است. گزارش با معرفی بلیه‌ای به نام ریزگردها و نتیجه‌گیری و جمع‌بندی گزارش، خاتمه می‌پذیرد.

نتایج و پیشنهادها

آنچه در این گزارش آمده تصویری دردناک و یا به زبانی دیگر وضعیت به کلی ناپایدار محیط‌زیست کشور را نشان می‌دهد. بدون قصد بزرگ‌نمایی مسئله به دلایل مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره به نظر می‌رسد که کل امکانات و زیربنای زیستی و یا اکوسیستی کشور ما در معرض تهدید خطرهای بزرگ، غارت منابع و یا نابودی کلی قرار دارند. موارد معدودی در زیر به عنوان نمونه ارائه می‌شوند:

۱- یکی از معضلات اصلی زیست‌محیطی کشور مسئله کمبود آموزش‌های زیست‌محیطی و فرهنگ‌سازی‌های عمومی از طریق رسانه‌های عمومی و یا از طریق آموزش‌های دوران ابتدایی تا دبیرستان بوده است. گروه محیط‌زیست و انرژی فرهنگستان علوم شاید از پانزده سال قبل تاکنون سعی در اشاعه فرهنگ‌سازی از طریق صداوسیما و همکاری با وزارت آموزش و پرورش نموده است. همکاری‌هایی نیز با آموزش و پرورش انجام گرفته ولی صداوسیما علاقه‌ای به این موضوع نشان نداده است. ولی سازمان حفاظت محیط‌زیست درصدد راه‌اندازی مدارس سبز برای رفع این مشکل است.

۲- در دریای خزر بنا بر گزارش‌های UNEP به سمت یک دریای مرده پیش می‌رود، رودخانه‌های تغذیه‌کننده این دریا از طرف تمام کشورهای همجوار حاوی آلاینده‌های بسیار زیاد بوده به نحوی که از یک طرف محیط دریا به سمت یک دریای مرده سوق داده می‌شود و از طرف دیگر رودخانه‌های آلوده و تخریب شده دیگر پذیرای ورود و تکثیر ماهی‌های رود کوچ یا آنادروم نیستند. بنابراین می‌توان به دلایل سقوط تولید و تکثیر ماهیان خاویاری و دیگر گونه‌های ماهیان در این دریا پی برد.

۳- دریاچه ارومیه به دلیل سدسازی‌های کامل بر روی تمامی رودخانه‌های ورودی به دریاچه لزوماً به سمت تبدیل به یک نم‌زار سوق داده می‌شد و می‌توان به زودی سرچشمه تولید ریزگردهای نمکی در کشور شود. این دریاچه که در سال‌های اخیر یکی از زیباترین زیستگاه‌های فلامینگو و سواحل آن مملو از سخت پوست ارتمیا بود در حال حاضر با بزرگترین فاجعه دوران چند میلیون ساله حیات خود روبرو شده و امکان ادامه حیات از این پهنه آبی بی‌نظیر سلب شده بود. ولی در دو سال اخیر اقدامات کمیته احیاء و دریاچه به نظر مفید بوده و احتمال احیای مجدد آن می‌رود.

۴- نرخ فرسایش خاک در کشور ما طبق گزارش سازمان خوار و بار جهانی در حدود ۳۶٪ از کل زمین‌ها و یا ۶۰٪ از خاک‌های

کشاورزی ایران را شامل می‌شود. مقدار یا نرخ فرسایش سالیانه در ایران در محدوده $\frac{۳۵-۳۰}{ha-y}$ تن قرار می‌گیرد که بیش از دو برابر نرخ فرسایش خاک در کشورهای اروپایی و یا آمریکای شمالی می‌باشد. دلایل نرخ بالای فرسایش خاک در کشور کاهش پوشش گیاهی به دلیل چرای بیش از حد در زمین‌های مرتعی یا جنگلی و جنگل‌زدایی در آن بوده است. خاک‌های شسته شده از یک طرف باعث کاهش و افت محصولات کشاورزی شده و از طرف دیگر باعث پُر شدن سدها و یا تالاب‌های کشور می‌شوند. چرای بی‌رویه و بیش از استاندارد دام در کوهپایه‌ها و یا مناطق جنگلی و غیره باعث از بین رفتن پوشش گیاهی در مناطق مربوطه شده و بارندگی‌ها در این مناطق به عوض احیاء و تأمین سفره‌های آب‌های زیرزمینی غالباً به‌صورت سیل‌های بنیان‌کن براه افتاده و باعث خسارت‌های

شدید به نواحی اطراف شده و این موضوع همراه با نیاز روزافزون تولیدات کشاورزی و بهره‌برداری‌های بیش از اندازه از منابع آب‌های زیرزمینی و کاهش فشار آب این منابع از طرف دیگر باعث افت و فرو نشست زمین‌های کشاورزی در نقاط مختلف کشور شده است.

۵- وضعیت حمل و نقل در شهرهای بزرگ کشور فاجعه‌آمیز است. تعداد اتومبیل‌های در حال عبور و گذر از هر خیابان از تعداد عابران پیاده بیشتر است و روزانه در تهران بیش از هزار دستگاه اتومبیل شماره‌گذاری می‌شوند و این ازدحام افسار گسیخته اتومبیل روز به روز بدتر می‌شود و همراه با آن وقت، آرامش روان و سلامتی مردم در معرض برخورد با تبعات این سیل خانمان‌برانداز قرار می‌گیرد. راهکار درمان این مسئله افزایش روزانه تعداد اتومبیل در شهرهای مختلف نیست. این راهکار در ۸۰ سال پیش در آمریکا بکار گرفته شد و آمریکا در سالهای اخیر تا روزی ۲ میلیارد دلار بابت واردات نفت به کشور می‌پرداخت ما باید برای آینده برنامه‌ریزی کنیم. احتمالاً راهکار توسعه پایدار استفاده بیشتر از راه آهن شهری و مترو و ترک استفاده بیش از حد از اتومبیل است.

۶- نوار بسیار باریک جنگلی در حاشیه جنوبی دریای خزر باقیمانده و میراث ملی بسیار ذی‌قیمت جنگل‌های هیرکانی چند میلیون ساله این کشور است که بدون توجه به اهمیت خارج از تصور آن برای مسائل گوناگون کشور شامل سرچشمه تولید اکسیژن به میزان ۲/۵ تن در هر هکتار از جنگل، بهترین محل برای تأمین و احیاء سفره‌های آبهای زیرزمینی می‌باشد. هر هکتار جنگل می‌تواند ۶۰ تن گرد و غبارهای هوا از جمله ریزگردها را به مثابه جارو کشی آسمان پاکسازی نماید.

جنگل‌ها دارای بهترین امکانات توسعه زیستی رفاهی، توریستی و اقتصادی بوده و به دلیل دارا بودن رطوبت بالا کمکه‌های شایانی به ریزش‌های محلی می‌کنند. جنگل‌ها زیستگاه‌های کم‌نظیری برای امکان رشد و نمو حیات وحش کشور شامل مارال، شوکا، خرس قهوه‌ای، انواع گونه‌های قوچ و میش، کل و بز و گربه‌های جنگلی و پلنگ ایران و غیره را فراهم می‌آورند. تمامی این مواهب خارج از تصور جنگل‌ها در سال‌های اخیر دستخوش مطامع انواع گروه‌های رانت‌خوار کشور قرار گرفته و به سرعت به خاطر بهره‌برداری‌های آزمندانه و از چوب و سپس زمین‌های باقیمانده جنگل‌های ما در معرض نابودی کامل قرار گرفته‌اند. در آغاز انقلاب مساحت جنگل‌های شمال کشور بالغ بر هجده میلیون هکتار برآورد می‌شد که برابر جنگل‌های ترکیه بود. طی سی و چند سال گذشته مساحت جنگل‌های ایران شاید به کمتر از یازده میلیون هکتار تقلیل یافته در حالیکه مساحت‌های جنگل‌های ترکیه در این مدت به بیست و چهار میلیون هکتار و یا دو برابر جنگل‌های ایران افزایش یافته است.

۷- برای مقابله با نرخ بیکاری بالای جوانان و جلوگیری از مهاجرت و فرار مغزها می‌باید در جهت ایجاد اشتغال برای آنها همت گمارد. کشور ما علاوه بر امکانات زیست‌محیطی رو به زوال دارای یکی از غنی‌ترین میراث‌های فرهنگی و باستانی در میان تمام کشورهای دنیا بوده است. متأسفانه بی‌توجهی و غفلت نسبت به محیط‌زیست و یا زیست‌بوم کشور به میراث‌های فرهنگی و باستانی کشور نیز تسری داده شده و این میراث‌ها و ابنیه بی‌نظیر ما یا به کلی رها شده و از طرف دیگر اشیاء و آثار بسیار ذی‌قیمت موجود و یا پیدا شده به انحاء مختلف از کشور خارج شده و در اختیار خریداران خارجی قرار گرفته و موزه‌های آنان مزین و مفتخر به داشتن این اشیاء بی‌بدیل ایرانی شده و موزه‌های ما روز به روز بی‌رونق‌تر می‌شوند.

۸- فاضلاب‌های صنعتی و یا شهری شهرهای ما به عوض جمع‌آوری و تصفیه و مصرف دوباره و یا چندباره آب آن بدون هرگونه عملیاتی وارد رودخانه‌های اندک کشور شده و این رودخانه‌ها عملاً به صورت گندابخانه‌هایی در آمده که نه تنها باعث قطع حیات هرگونه آبی در آن می‌شود بلکه سلامتی و تندرستی جوامع انسانی پیرامونی آن را نیز به شدت تهدید می‌کند. از طرف دیگر بسیاری از دیگر رودخانه‌های شمال کشور در معرض غارت کردن شن و ماسه قرار گرفت و این زیستگاه‌های آبی و رودخانه‌ای به نابودی کشیده شده‌اند.

میزان تولید زباله در کشور سالیانه بیش از ۳۰ میلیون تن است که پس از جمع‌آوری به صورت غیراصولی تلمبار شده و یا دفن می‌شوند. شیرابه ایجاد شده از این زباله‌ها منبع بسیار خطرناکی برای ایجاد و پخش انواع بیماریها و یا آلوده کردن منابع زیرزمینی سفره‌های آبی می‌باشند. این روش‌های قدیمی باید با روش‌های جدید جداسازی در مبدأ و استفاده مجدد و یا بازیافت کلیه اجزاء زباله و یا احیاناً سوزاندن قسمت‌های غیرقابل بازیافت به انرژی حرارتی تبدیل نمود.

۹- چرای بی‌رویه دامها در مناطق جنگلی و یا مناطق حفاظت شده باعث نابودی جنگل و ایجاد آتش‌سوزی‌ها و غیره در جنگل‌ها شده و از طرف دیگر ورود دامها به مناطق حفاظت شده باعث انتقال طاعون دامی به حیات وحش شده و تلفات سنگینی را تاکنون به جمعیت کل و بز وحشی در پارک ملی فجر و غیره سبب شده است.

ذکر مصیبت‌های زیست‌محیطی ما طومار بسیار مفصلی است که موارد بالا فقط نمونه‌هایی بود و داستان آن مصائب همچنان باقی است.